

توحید عبادی در صحیفه سجادیه

چکیده

دعاهای معصومین (علیهم السلام) به ویژه ادعیه امام سجاد (علیه السلام) رابطه تنگاتنگ با توحید از جهت علمی و عملی دارند. این دعاها هم توحید و مراحل و اقسام آن را آموزش می‌دهند و هم خود تجلی‌گاه خالصانه‌ترین توحید نظری و عملی هستند. این نوشتار در نظر دارد، ظهور و حضور توحید و ابعاد آن را در دعاهای مأثوره از کلام امام سجاد (علیه السلام) مورد بررسی قرار دهد. از این رو، پس از تبیین نقش محوری توحید در اسلام و اهمیت و حقیقت توحید با استناد به فقراتی از ادعیه امام سجاد (علیه السلام) نشان می‌دهد که دعا در عین حال که نردبان توحید نظری است، خود جلوه‌ای از توحید عملی نیز به شمار می‌آید. و این کتاب در بین قداما به زبور آل محمد معروف است. دعاهای ایشان ضمن این که در حدّ اعلای استغاثه‌ی به خداوند متعال است، انباشته از معارف اسلامی توحید، نبوت و ... نیز می‌باشد

واژگان کلیدی: توحید عبادی، توحید در دعا، خواهش، مناجات، صحیفه سجادیه.

طرح بحث

توحید در عبادت به معنای اطاعت همراه با خضوع و خشوع، فقط در مقابل خدا با اعتقاد به معبود بودن او است. اعتقاد به معبودیت به معنای اعتقاد به ربوبیت است و اعتقاد به ربوبیت، اعتقاد به مالکیت و خالقیت را در پی دارد و مالک حقیقی نیز حق قانونگذاری دارد؛ بنابراین وقتی ما خدا را عبادت می‌کنیم، بدین معنا است که ما از خدا با اعتقادات فوق، اطاعت می‌کنیم؛ و از آنجایی که دعا مصادیق عبادت است و در صورت نبودن دعا و نبود نیایش در میان هر جامعه، با سقوط آن ملت برابر است؛ چرا که انسان‌ها به وسیله دعا، توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوندی می‌یابند.

با توجه به اینکه دعا کردن آداب و شرایطی دارد، یکی از منابع بسیار ارزنده در این زمینه کتاب صحیفه سجادیه، از کلام امام سجاد (علیه‌السلام) می‌باشد که منبع بسیار قوی دعا است و ایشان همه مسائل از جمله توحیدی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را در قالب دعا بیان کرده است و در آغاز مباحث توحیدی را این‌گونه بیان می‌کند:

سپاس و ستایش خدا آغاز می‌شود که در اولیت بی‌آغاز و در آخریت بی‌انجام است. همان خدایی که خویشتن را به ما شناسانده و نعمت بزرگ شکر و سپاس‌گزاری را به ما الهام فرموده است. ما را به اخلاص در توحید و یگانه انگاشتن‌اش راهنمایی نموده و از الحاد و بدکیشی و کژروی و تردید در امر خویش، دور داشته است.

هدف از این مقاله بررسی مباحث توحیدی در کلام امام سجاد (علیه‌السلام) است که ایشان مسائل توحیدی را به طور کامل و جامع در قالب دعا ذکر کرده‌اند.

در این خصوص کتاب و مقاله از جمله: کتاب‌های ترجمه و شرح صحیفه سجادیه از انصاریان و فیض الاسلام و... نوشته شده است و همچنین کتاب زبان دعا در صحیفه



سجادیه اثر محمدجواد سلمانپور و کتاب مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثرپذیری از قرآن و سنت، نوشته خلیل موسوی، به رشته تحریر در آمده است؛ و قابل ذکر است مقاله «تجلی توحید در ادعیه» محمد شریفاتی نیز به چشم می‌خورد ولی در خصوص این تحقیق اثر مستقلی یافت نشده است و شیوه جمع‌آوری به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از نرم افزار بوده است.

الف. مفهوم شناسی

۱. توحید

واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ص ۵۵۱) یعنی حکم به واحد بودن شی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه)

در اصطلاح، خدا را به ربوبیت شناختن و به وحدانیتش اقرار داشتن و اضداد و امثال را از او نفی کردن است (الجرجانی، ۱۴۱۱ق: ص ۹۶) در این مقاله تمام این معانی مدنظر است.

۲. دعا

«دعا» در لغت به معنای صدا زدن و یاری طلبیدن است و در اصطلاح شرع، به معنای گفتگو کردن با حق تعالی به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه اوست. (فیومی، ۱۴۱۴ق: ذیل ماده دعا) که در این مقاله همین معنا مدنظر است.

۳. اهمیت توحید

میزان ارزش هر علم بر اساس موضوع آن علم سنجیده می‌شود. علم توحید به دلیل



شرافت موضوعش (خداوند متعال) برترین دانش‌ها است. برای تصدیق نمودن به شرافت موضوع توحید کافی است توجه نماییم که تمام جهان به نوعی خاص مرتبط با خداوند است و نامحدود بودن اسما و صفات او موجب عجز بشر از درک حقیقت او گردیده است. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

«الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن» (نهج البلاغه، ۱۴۲۶: خطبه ۱)

خدایی که بلندی همته‌ها او را در نیابد و ژرفی اندیشه‌ها بدو نرسد.

مطلق بودن خداوند سبب شده است که کنه و ذات او از دایره شناخت انسان خارج باشد. در عین حال مطلق بودن کمال ذات حق و کمال انسان در اعتقاد کامل به کمال مطلق بودن اوست. (شریفات، ۱۳۸۴: شماره ۱۵، ص ۳۴)

در اهمیت موضوع توحید همین بس که دعوت انبیا: بر پایه توحید استوار بوده و همه مردم را به اقرار و ایمان به یکتایی خدا، می‌خوانده‌اند. به دلیل همین اهمیت است که قرآن کریم مملو از آیاتی است که در آن‌ها به مباحث توحید اشاره شده است؛ هم چنین منابع مهم حدیثی و همچنین صحیفه سجادیه: در موضوع توحید است. (موسوی، ۱۳۹۳: ص ۱۹)

ب. انواع توحید

توحید در منابع کلامی و اعتقادی، به جهت برخی تناسبات، به توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی تقسیم شده است.

اگر چه توحید در حقیقت دو قسم بیشتر ندارد و آن توحید ذاتی و توحید صفاتی است، ولی ما هم توحید را از منظر تقسیم مشهور بررسی می‌کنیم:



۱. توحید ذاتی

در متون دینی، خداوند متعال به دو وصف «واحد» و «احد» توصیف شده است. معنا تفاوت چندانی با هم ندارند. توحید ذاتی یعنی اعتقاد به این که خداوند متعال از حیث ذات نظیر و شبیه ندارد و از چیزی به وجود نیامده است و با چیزی اتحاد پیدا نمی‌کند. (بیابانی اسکویی، ۱۳۹۰: ص ۲۵۲)

حضرت زهرا (علیهاالسلام) در این باره فرموده است:

«الْمُتَّعِجُ... مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.» (مجلسی، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

... توصیف او از زبان‌ها برنیاید و معرفت کیفیّتش بر اوهام ناممکن است.

۲. توحید صفاتی

صفات خداوند متعال در یک تقسیم، به صفات ازلی و حدوثی تقسیم شده است. منظور از صفات ازلی، صفاتی‌اند که نفی آنها از خداوند متعال صحیح نیست؛ یعنی نمی‌شود گفت خدا بود و نعوذ بالله عالم نبود؛ و صفات حادث صفاتی‌اند که سلب آنها از خداوند اشکالی ندارد؛ مانند این که خدا بود و اراده‌ای نکرده بود. در حقیقت، اثبات توحید در صفت معبودیّت خداست.

۳. توحید افعالی

منظور از توحید افعالی این است که هیچ فعلی اعم از مشیّت و اراده و عزم و قصد و رضا و نفرت و به طور کلی همه افعال خوب و بد از هیچ شخصی سر نمی‌زند، جز این که مشیّت و اراده خداوند متعال بر آن تعلق گرفته و خداوند متعال اذن صدور آن را از فاعلش داده است.



۴. توحید عبادی

توحید عبادی یعنی هیچ کسی غیر از خداوند متعال سزاوار پرستش و اطاعت نیست و معبود حقیقی و واقعی تنها اوست. پس انسان‌ها در اعمالشان، باید خدا را مورد توجه قرار دهند و جز او کسی دیگر را عبادت و ستایش نکنند و از فرمان کسی جز او اطاعت نکنند که اطاعت هر شخصی در حقیقت عبادت اوست. (بیابانی اسکویی، ۱۳۹۰: ص ۲۵۵-۲۵۹)

با توجه به اینکه دعا یعنی درخواست کردن، مناجات و نیایش و ستودن خالق است و یکی از اهداف دعا و نیایش، تقویت روح توحید و نفی بندگی غیر خداست و از آنجایی که یکی از روش‌های راز و نیاز با خداوند متعال است، نوعی عبادت محسوب می‌شود و می‌توان گفت توحید در دعا، یکی از زیرشاخه‌های توحید عبادی باشد و ما در این مقاله سعی داریم توحید در دعا را مورد بررسی قرار دهیم که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ج. توحید در دعا

مکتب دعای امام سجاد (علیه‌السلام) و فرهنگ‌سازی آن حضرت با زبان دعا، برای تعلیم رشد انسان بنا شده است و حضرت قبل از آن نفس دعا را تعلیم می‌دهد و نهادینه می‌کند، سپس با زبان دعا نهاد تعلیم و تربیت، بندگی و عبودیت پیش می‌برد و فرهنگ‌سازی می‌نماید.

البته صحیفه سجادیه در حقیقت ظهور توحید خالص و ناب در تمام ابعاد بی‌نهایت آن می‌باشد، از همین رو دعا سرزمین عظیم شور، لذت و شغف انسانی نیز می‌باشد. سزاوار است هر انسانی ولو غیر مؤمن در حیات خود ولو برای لحظاتی به این کتاب مراجعه کند، لذا صحیفه سجادیه را می‌توان از طرفی کتاب شعور توحید و توحید شعور و



از طرف دیگر سرزمین شور لذت و لذت شور نامید. (سلمانپور، ۱۳۹۲: ص ۱۳ و ۱۴)
پس می‌توان گفت که دعا، تجلی عبودیت انسان و ثمره اعتقاد به توحید در
انسان‌هاست.

در این جا می‌خواهیم روش‌های بیان کننده دعا را در قالب مباحث توحیدی ذکر کنیم:

۱. دعا به روش خواهش

یکی از معنای دعا خواهش است که به معنای درخواست، استدعا، تقاضا، التماس،
طلب، تمنی، رغبت، میل، اراده، شفاعت، مراد، مطلوب، مقصود، آرزو، هوس، شهوت، سؤال
و مسألت، ملتمس، دعا، مال، اسباب، خواسته و تضرع بکار رفته است. (معین، ۱۳۸۲: ج ۱،
ص ۱۴۵۱)

گویا به نظر می‌رسد مقصود امام سجاد (علیه‌السلام) از بیان این دعاها درخواست، تقاضا
و طلب خویش از خداوند است که با تضرع همراه با مباحث توحیدی است که در قالب دعا
آورده به کار برده است.

دسته‌ی دیگری از ادعیه‌ی مأثور از اهل بیت (علیهم‌السلام) دعاهایی است که جنبه‌ی
تقاضا دارد. در این دعاها درخواست‌های گوناگونی از حضرت حق مطرح شده است.
نمونه‌ی این دعاها، دعای امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در دعای طلب باران، طلب رفع
گرفتاری‌ها است.

داعی در این روش توحید خود را به ظهور می‌آورد. دعا کننده، با درخواست از خداوند
این واقعیت را مطرح می‌کند که تنها خدا را رازق، خالق، مالک، زمامدار، قادر و در یک
کلام واجد تمام اسمای حسنا می‌داند که او را صدا کرده و درخواست خود را از محضر او
طلب نموده است.

این سؤال‌ها، به طور غیر مستقیم، اقرار به مراتب متعدد توحید است، زیرا خداوند در



تمام شوون، یکتاست و دیگران تنها می‌توانند مظهر شوون حق باشند.

شاهد این مدعا آن است که در بسیاری از دعاهای صحیفه‌ی سجادیه که هدف از صدور آن از ناحیه‌ی امام (علیه‌السلام) درخواست مطلبی بوده است، بخش مهمی، حتی بیش از آن چه تقاضا را عرضه می‌کند، به حمد و تسبیح و توحید حق اختصاص داده شده است. گویا آن تقاضا بهانه‌ای بوده است تا امام (علیه‌السلام) را در توحید حق و مناجات با او غرق کند.

امام سجاد (علیه‌السلام) چنین است که می‌فرماید:

«وَأَنَا يَا إِلَهِي، عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالِدُّعَاءِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ» (الهی قمشه ای،

۱۳۹۷: دعای ۱۶، فراز ۱۱)

و من ای خدا بنده (ضعیف درمانده) توام که مرا امر فرمودی (برای انجام حوائج و رفع مشکلات) به درگاہت دعا کنم من هم امرت را اطاعت کردم و لبیک و سعیدیک گویان پروردگارا به حضور حضرتت (به خاک ذلت و عبودیت) افتاده‌ام.

«اللَّهُمَّ فَهَذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَّجِزاً وَعَدُكَ فِيمَا

وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (انصاریان، ۱۳۷۳: ج ۷، دعای ۳۱، فراز ۱۱)

ای پروردگار من اینک من بر آنچه امر فرمودی از دعا و التماس به درگاہت به اطاعت فرمان آمده‌ام (و به دعا از حضرتت درخواست می‌کنم و آنجا و وفا به وعدهات را (که بندگان را فرمودی دعا کنید به درگاہم تا مستجاب کنم) از تو اجابت دعای خود را می‌طلبم (پس ای خدا به وعدهات وفا کن و دعایم مستجاب فرما).

بارالها، اینک منم که در حال اطاعت فرمان تو در دعائی که به آن امر کرده‌ای و در حال درخواست وفا به وعده است، در اجابتی که وعده داده‌ای آمده‌ام، مگر نه این است که در قرآن مجید که سند تمام حقایق هستی از جانب توست فرموده‌ای: مرا بخوانید تا شما



را اجابت کنم.

امام زین العابدین (علیه السلام) به عنوان یکی از درخواست‌های ارزشمند، بندگی بدون آفت عجب را از خدا درخواست می‌کنند: «وَ عِبْدَتِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ» (نرم افزار دانشنامه صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۳)

و مرا به بندگی خود، گیر و عبادتم را به خودبینی تباه مساز.

العجب: به سکون الجیم و ضم العین عبارت از بزرگ دانستن عمل است و بر خود بالیدن گویا خیال کند که فوق این عبادت متصور نشود و در مقام بندگی من لایق ذات باریست و آنچه در خور معبود بود به جای آوردن نه اینکه عجب مطلق خوش آمدن از عمل باشد بلکه انسان اگر عملی کند از عبادات و در آن عمل مسرور شود و مع ذلک خود و عمل خود را نزد خالق کم داند ضرر ندارد و از اینجا روشن شد فرق ما بین ریا و عجب زیرا که ریا عمل از برای غیر خدا است و عجب از برای خدا است لکن در خیال خود گوید عملم خوش عملی بود و درخور معبود. (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۰: دعای ۲۰، فراز ۳)

درباره عجب روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است:

«قَالَ إِبْلِيسُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيُجُودَهُ: إِذَا اسْتَمَكْتُ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثٍ، لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ؛ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ: إِذَا اسْتَكْتَرَ عَمَلَهُ، وَ نَسِيَ ذَنْبَهُ، وَ دَخَلَهُ الْعُجْبُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۴: ص ۱۱۲، ح ۸۶)

شیطان ملعون به لشکریانش گفت: اگر در سه کار بر فرزند آدم چیره شوم، دیگر باکی ندارم که چه کار خواهد کرد؛ زیرا آن کار از او پذیرفته نمی‌شود: هرگاه عملش را زیاد شمارد و گناهش را فراموش کند و خودپسند شود.

معنای بلند عبادت نیز در کلام آن حضرت نمایان است:

«إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أُمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ،



أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَ اعْتَرَفْتُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي، فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِينُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۶: دعای ۲۱، فراز ۷)

بار خدایا صبح و شام کردم در حالیکه بنده‌ی خوار توام، و جز به کمک تو بر سود و زیان خویش توانا نیستم، درباره‌ی خود به آنچه گفتم گواهی می‌دهم، و به ناتوانی و بیچارگی خویشتن اقرار دارم، پس به آنچه (روا کردن و دعاء) به من وعده دادی وفا کن، و آنچه عطا کرده‌ای کامل گردان (از بین مبر و تغییری در آن مده) زیرا من بنده‌ی بی‌چیز، فروتن، ناتوان، بدحال، کوچک، خوار، نیازمند، ترسان و زینهارخواه تو هستم.

امام (علیه‌السلام) در این فراز از دعاء، اوصاف یک بنده‌ی واقعی و باورهای او را بیان فرموده‌اند، این موارد را با بصیرت بیان کرده‌اند، در حالی که استحکام و فزونی آن را درخواست می‌فرمایند چرا که بصیرت اساس عبادت حقیقی و پایدار است.

«أَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بِصِيرَتِي» (نرم افزار دانشنامه صحیفه سجادیه، دعای ۳۱، فراز ۱۳)

و بصیرتم را در بندگیت محکم کن.

یکی از درخواست‌های امام سجاد (علیه‌السلام) از خداوند طلب باران است که خداوند در قرآن در این مورد گفته است:

«اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَنْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (روم/ ۴۸)

خداست که بادها را می‌فرستد تا ابری را برمی‌انگیزد، پس آن را در آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و به صورت بخش بخش و پاره‌های مختلف در می‌آورد، پس



باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، آن گاه شادمان و خوشحال می‌شوند.

و در این باره امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ
لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُوقِنِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ»

خدایا! ما را به باران سیراب کن و رحمتت را به باران پُر آب و فراوان بر ما گسترش بخش؛ از ابری که برای گیاه زیبای زمینت در تمام ناحیه‌ها و اطراف سوق داده شده.

«وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ اٰخِي بِلَادِكَ بِيُلُوعِ الزَّهْرَةِ، وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ
الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقِي مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غَزْرُهُ، وَ اَسِعِ دِرْرُهُ، وَ اَبِلِ سَرِيْعٍ عَاجِلٍ»

و بر بندگانت با به بار آمدن و رسیدن میوه منت گذار و سرزمین‌های مردهات را با شکفتن شکوفه‌ها زنده کن و فرشتگان بزرگوار نویسندهات را با فرستادن بارانی سودمند و پیوسته، از جانب خودت گواه گیر؛ بارانی که فراوانی و انبوهش وسیع و باریدنش بسیار تند و آمدنش سریع و زود باشد.

و در آخر دعا امام سجاد (علیه‌السلام) ویژگی‌های استجابات آن را رعایت می‌کند خداوند توانا مطلق می‌خوانند و او را هستی بخش توانا و روزی دهنده همه می‌دانند؛ و با این فراز دعا را به پایان می‌رساند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از برکات آسمان‌ها و زمین روزی بخش؛ همانا تو بر هر کاری توانایی.



دومین درخواست حضرت رفع گرفتاری هاست و حضرت طلب خود را با مباحث توحیدی آمیخته می‌کند تا همگان را متوجه این سازد که تنها خداوند است که مشکلات را برطرف می‌کند و باید به ریسمان الهی چنگ زدند و به غیر او تمسک نجویند که در صحیفه سجادیه آمده است:

«يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ؛ وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ؛ وَ تَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ؛ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ؛ وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلَمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ؛ وَ قَدْ نَزَلَ بِبِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَتْنِي ثِقَلُهُ وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهْطَنِي حَمَلُهُ وَ بِقُدْرَتِكَ أوردَتْهُ عَلَيَّ» (نرم افزار دانشنامه صحیفه سجادیه، دعای هفتم)

ای آن که گرفتاریهای سخت تنها به وسیله او بازگردد، ای آن که تیزی تیغ دشواری‌ها به او درهم شکسته شود، ای آن که بیرون آمدن از رنجها و راه یافتن به سوی عرصه گشایش تنها از او درخواست گردد، در برابر توانایی ات سختیها رام شد و به لطف اسباب و وسائل فراهم گشت و به نیرویت قضا جاری شد و امور براساس اراده ات گذرد، پس اشیاء تنها نه به گفتارت بلکه به اراده‌ات فرمان پذیرند و تنها به اراده‌ات قبل از نهی کردند باز داشته‌اند، تنها تو برای رفع گرفتاریها خوانده شدی و در بلاهای سخت پناهگاهی، چیزی از آن بلاهای سخت دفع نگرده جز آنچه تو دفع کردی و چیزی از آن گشوده نشود مگر آنچه تو گشودی.

پروردگارم مشکلی به من رسیده که سنگینی‌اش مرا به زحمت انداخته است و دشواری بر من فرود آمده که به دوش کشیدنش مرا گرانبار نموده است آری آن را تو به قدرت خویش بر من فرود آوردی.



۲. دعا به روش مناجات

یکی از معانی دعا مناجات است که به معنی راز و نیاز کردن با خدا، نجوا کردن با کسی، راز و نیاز کردن با دیگری، برای پی بردن به عقاید نهانی یکدیگر، راز گویی با کسی، راز و نیازی که غم را از دل می برد و انسان را از هم و غم نجات می دهد بکار رفته است. (الطریحی، ۱۳۶۲ ش: حرف الالف، ص ۸۲)

و در اینجا به نظر می رسد مناجات امام سجاد (علیه السلام) به معنی راز و نیاز کردن با خدای خویش و پی بردن و آشکار ساختن مباحث توحیدی و اعتقادی خداوند است. یکی از حکمت‌های گرفتار شدن انسان به وسیله خداوند، این است که احتیاج و عجز او را برایش آشکار سازد و زمینه دعا و تضرع را در او فراهم آورد در قرآن کریم به این حقیقت مهم چنین اشاره شده است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ * فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/ ۴۲-۴۳)

در این آیات به روشنی بیان شده که یکی از حکمت‌های گرفتار ساختن بندگان به سختی و بیچارگی این است که آنها درمانده شده، در پیشگاه الهی به زاری و تضرع بیفتند و آنان که چنین نکردند به این سبب بوده که فریب شیطان را خورده، دل‌هایشان را قساوت گرفته است. فراموش نشود که هدف از خلقت انسان چیزی جز بندگی خدا نبوده است و روح این بندگی همانا یافتن عجز و بیچارگی و نیاز است که انسان را به در خانه خدا برده، دستش را به درگاه بی نیازش بلند می سازد. اینجاست که جایگاه و منزلت دعا به خوبی روشن می گردد، چون روح دعا چیزی جز اظهار ناداری انسان و طلب رفع نیاز از خدای بی نیاز نیست. (بنی هاشمی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹: ص ۳۳)

بنابراین صحت فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برای ما وجدانی می شود که



فرمودند:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ وَ لَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ» (مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۹۳، ص ۳۰۰، حدیث

(۳۷)

دعا مغز عبادت است و با وجود دعا هیچ کس هلاک نمی‌شود. دومین دسته از دعاها، جنبه‌ی نجوا با رب الارباب دارد. در این روش ادعیه، ائمه (علیهم‌السلام) باب معاشقه و راز و نیاز با معبود یگانه را گشوده‌اند. ایشان در این مقام، خود را فقیر مطلق و حق تعالی را تنها غنی مطلق و بالذات یافته‌اند و لذا با عرض نیاز خود به درگاه حق - جل و علا - با وی راز می‌گویند.

این بزرگواران به منتهای معنای این آیه رسیده‌اند که:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵)

ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است؛ و از همین روی چنین با خدا نجوا می‌کنند که:

«الهِى أَنَا الْفَقِيرُ فِى غِنَاى فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِى فَقْرِى» (ابن طاووس، ۱۴۱۸: ج ۱، ص

(۳۴۸)

خدایا! من در حال بی‌نیازی نیازمندم؛ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نباشم؟ این بیان با زبان مناجات نهایت درجه‌ی توحید و بالاترین مرتبه‌ی یک موحد است. نمونه این روش دعا در صحیفه سجادیه نجوای امام سجاد (علیه‌السلام) به درگاه حق تعالی است که عرضه می‌دارند:

«يَا كَهْفِي حِينَ تَعْيِينِي الْمَذَاهِبُ، وَيَا مَقِيلَ عَثْرَتِي، وَ لَوْ لَا سَتْرُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ

الْمُضْوَحِينَ، وَيَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ



لَهُ الْمُلُوكِ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَ يَا أَهْلَ التَّقْوَى، وَ يَا مَنْ لَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»

ای پناه من! آنگاه که راهها (ی وصول به حقیقت) مرا به دردسر و رنج می افکند، مرا از خشمتم رهایی بخش و ای درگذرنده از لغزش من، اگر عیب پوشی تو در کار من نبود هر آینه از رسوا شدگان بودم و ای تأکیدکننده‌ی من در یاری، اگر اعانت تو نبود من از مغلوبان بودم. ای آن که شاهان در برابر تو یوغ خواری بر گردن دارند و از شکوه تو بیمناک اند! ای کسی که در خور آنی که از تو حساب ببرند و ای آن که او را زیباترین نامهاست. (فولادوند، ۱۳۷۹ش: دعای ۵۱، فراز ۷)

مناجات خمسه عشر امام سجاد (علیه السلام) روح انگیزترین مثال برای این نوع از دعا به شمار می آید؛ که به عنوان نمونه یکی از این مناجات، راز و نیاز پارسایان است که امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«إِلٰهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ، وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ؛ وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْمِلْ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَأَغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيُوتِكَ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ»

خدایا ما را به دنیا بی رغبت کن و به توفیق و عصمت ما را از آن سلامت بدار و جامه های مخالفت را از هستی مان برکن و با حسن کفایت امور ما را سرپرستی فرما؛ و



فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان و از چشمه‌سار مواهب عطا می ما را نیکو کن و در سرزمین دل‌های ما درختان محبت را بکار و انوار معرفت را بر ما کامل کن و شیرینی گذشت و لذت آموختن را به ما بچشان و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن کن و محبت دنیا را از دل ما بیرون بر، آن گونه که درباره نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان. (القمی، ج ۱، ص ۱۹۱)

همچنین دعای عرفه امام سجاد یک نمونه از مناجات ایشان در قالب بیان مباحث توحید است که در صحیفه سجادیه آورده است:

«وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ؛ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ؛ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ» (انصاریان، ۱۳۷۳: دعای ۴۷)

و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بزرگوار و ارجمندی، بزرگ و با عظمتی، کبیر و متکبری و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بلند مرتبه و بلند پایه‌ای، در انتقام‌گیری سخت و شدیدی و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بخشنده و مهربانی، دانا و درست کاری؛ و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، شنوا و بینایی، ازلی و آگاهی. در این مناجات که در قالب دعا آمده است تمام صفات توحیدی عبادی و عملی خداوند ذکر کرده است و با این دعا می توان مراتب توحید را هم نیز شناخت.

۳. دعا به روش زیارت

دسته‌ی دیگری از دعاها، به زبان خاص «زیارت» است. زیارت نیز نوعی ارتباط با خدا



است؛ زیرا اهل بیت (علیهم السلام) جلوه‌ی تمام نمای حق هستند. آن بزرگواران در حقیقت محل جریان اراده‌ی الهی هستند. این مطلب در ادعیه‌ی مأثور از معصومین (علیهم السلام)، به وضوح مطرح شده است.

امام زین‌العابدین (علیه السلام) توفیق این روش ارتباط را از خداوند درخواست می‌کنند:

«اللَّهُمَّ وَآمِنُ عَلَىٰ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا، مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ. وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي، وَ اشرح لِمَرَأَشِدِ دِينِكَ قَلْبِي»
(انصاریان، ۱۳۷۳: دعای ۲۳)

الهی بر من بر تشرف به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت که درود و رحمت و برکات تو بر او و خاندانش و آل پیامبر علیهم السلام باد مادامی که مرا باقی داری در این سال و هر سال دیگر منت بگذار و آن زیارت‌ها را پذیرفته درگاہت و پسندیده و منظور نظرت و ذخیره شده نزد خودت قرار بده.

آن حضرت، هم چنین در استقبال و وداع ماه مبارک رمضان - که ماه خدا است - گویی زیارت نامه می‌خواند و با این ایام پربرکت سخن می‌گوید. چرا که یکی از راه‌های رسیدن به خدا را ماه رمضان می‌دانند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ الصِّيَامِ وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ؛ وَ شَهْرَ الطَّهْوَرِ وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ وَ شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ؛ فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمَوْفُورَةِ وَ الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا؛ وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ



اِكْرَامًا وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ - جَلَّ وَ عَزَّ - اَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ وَ لَا يَقْبَلُ اَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ»

(شارح امامی، ۱۳۷۳، دعای ۴۴، فراز ۳)

به دنبال این قسمت یکی از آن راهها را نشان داده می‌گوید: (ستایش مخصوص خداوندی است که ماه خود رمضان را از همان راهها قرار داده استماه خودش یعنی ماه رمضان (ماه روزه، ماه اسلام، ماه ظهور، ماه آزمایش و تسویه و ماه قیام برای عبادت، ماهی که قرآن در آن برای هدایت مردم نازل شده و نشانه‌ی آشکار هدایت و جداکننده‌ی حق از باطل است؛ بنابراین فضیلت برتری این ماه را بر سایر ماهها با قرار دادن احترامات فراوان و فضائل مشهور، آشکار ساخت یعنی آنچه در ماههای دیگر حلال بود، در این ماه به خاطر بزرگداشت آن حرام فرمود به خاطر اکرام و احترام آن خوردنیها و نوشیدنیها را منع فرمود و برای آن وقتی روشن و مشخص قرار داد که- خدای عزوجل- اجازه‌ی تقدم از آن زمان را نداده و تاخیر از آن را قبول نفرموده است.



نتیجه بحث

از آنچه از این تحقیق به دست می‌آید این است که توحید عبادی یعنی در اطاعت و عبادت خدا که از افعال ما است، خداوند را یگانه می‌دانیم یعنی در واقع توحید عبادی به خود ما برمی‌گردد از سوی دیگر، بر اساس آموزه‌های اسلام، دعا برترین عبادت و خالص‌ترین اظهار توحید است از آن جا که کامل‌ترین بندگان، معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند، دعا‌های آنان بهترین منبع و روش دعاست. در میان ائمه: بیشترین دعاها از امام چهارم شیعیان، حضرت سجاد (علیه‌السلام) نقل شده است.



آن حضرت، به دلیل ویژگی‌های عصر حیاتشان، بسیاری از اصول اساسی و آموزه‌های دینی به ویژه توحید و اظهار آن را در قالب دعا ارایه کرده‌اند؛ و با این روش مباحث توحیدی را برای مردم بیان می‌کردند و روش‌های دعا کردن را تعلیم داده و به صورت‌های مختلف از جمله خواهش، مناجات و زیارت نامه‌ها عبودیت خداوند را در قالب دعا برای همه انسان‌ها بیان می‌کردند؛ و به مردم آموزش می‌دادند که یکی از آداب و شرایط دعا این است که ابتدا نسبت به پروردگار خویش شناخت و معرفت پیدا کنیم و در گفتار و عمل خود اخلاص را رعایت کرده و بدانیم که یکی از اصلی‌ترین مقدمات اجابت دعا و شاید از مهم‌ترین مقدمات اجابت دعا، انقطاع از غیر خداست؛ و سپس از گذشت این مراحل دعا کنیم.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، قم: الحوزه العلمیه بقم، مکتب الاعلام الاسلامی،

مرکز النشر، ۱۴۱۸ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۴.



۳. انصاریان، حسین، دیار عاشقان (تفسیر جامع صحیفه سجادیه)، بی‌جا: پیام آزادی، ۱۳۷۳ ش.
۴. بنی‌هاشمی، محمد، سلسله درس‌های مهدویت، تهران: منیر، ۱۳۸۸-۱۳۸۹.
۵. الجرجانی، علی بن محمد، التعريفات، قاهره: دارالکتاب المصری؛ بیروت: دارالکتاب اللبنانی، ۱۴۱۱ ق.
۶. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ: روزنه، ۱۳۷۷.
۷. راغب اصفهانی، محمد حسین، مفردات راغب اصفهانی، نشر مرتضوی، ۱۳۸۸.
۸. سلیمانپور، محمدجواد، زبان دعا در صحیفه سجادیه، تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۲.
۹. شارح امامی، محمد جعفر، ترجمه و شرح و توضیح صحیفه سجادیه، رفسنجان: اسوه، ۱۳۷۳.
۱۰. شریفاتی، محمد، تجلی توحید در ادعیه، اندیشه دینی ۱۳۸۴ شماره ۱۵.
۱۱. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین (تک جلدی)، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۷۹ ش.
- چاپ اول، القمی، عباس، مفاتیح الجنان، بی‌جا: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية المطبعة، پاسدار اسلام، بی تا.
۱۳. فیض الاسلام اصفهانی، علینقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، تهران: فقیه، ۱۳۶۶.
۱۴. فیومی، احمد، المصباح المنیر، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق. چاپ دوم، ذیل ماده دعا.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
۱۶. مدرسی چهاردهی، محمدعلی، شرح صحیفه سجادیه، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۰.
۱۷. مصطفی... [و دیگران]، ابراهیم، المعجم الوسیط، قم: موسسه الصادق للطباعة والنشر، ۱۴۱۸.



۱۸. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: زرین، ۱۳۸۲.
۱۹. موسوی، خلیل، مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثرپذیری از قرآن و سنت، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.
۲۰. نرم افزار دانشنامه صحیفه سجادیه، دعای ۱۳/۳۱.
۲۱. الهی قمشه ای، مهدی، ترجمه صحیفه سجادیه، بی جا: نغمه قرآن، ۱۳۹۷
۲۲. واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، پرسش و پاسخ قرآنی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸. ۲۸.

